

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۴۶

۹ دی ۱۳۹۵ / ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶



قاچاق کالا و ارز: اسکله‌های مرئی و نامرئی



قاچاق: بیماری مزمن اقتصاد و اشتغال در ایران



قاچاق کالا و ارز ، جرم یقه سفیدها



کولبر و فرق آن با قاچاقچی؛ دیدگاه قانون و جامعه
محلی کردستان



ارز قاچاق، این پول کثیف



اعدام برای قاچاق مواد مخدر در کشاکش تغییر

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: کامبیز غفوری، علی مهتدی، آیدا قجر

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

قاچاق: بیماری مزمن اقتصاد و اشتغال در ایران

نتیجه افزایش میزان بیکاری می‌شود و تأثیر نامطلوبی بر تولید ناخالص داخلی می‌گذارد. قاچاق انگیزه سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی را کاهش می‌دهد و آن را به سوی قاچاق منحرف می‌کند. این در حالی است که این سرمایه‌گذاری در تولید



نعیمه دوستدار

امیر خجسته، رئیس فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس، روز پنجشنبه ۴۱ بهمن ۵۹۳۱ به رییس سازمان مبارزه با قاچاق کالا همدار داده و گفته که روزانه سه هزار کانتینر، کالای قاچاق به ایران وارد می‌شود. خجسته سهل‌انگاری‌های سازمان مبارزه با قاچاق را خیانت خوانده و گفته «سازمان مبارزه با قاچاق کالا، نباید در خواب باشد.»

علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران، هم مدتی پیش با حضور در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، به استناد آمار و ارقام گزارش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفته: «در هشت ماه سال ۵۹ میزان کشفیات قاچاق کالا ۷۱۱ درصد رشد داشته و بر اساس گزارش ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز رقم قاچاق کالا از ۵۲ میلیارد دلار به ۵۱ میلیارد دلار کاهش یافته است.»

وزیر اقتصاد ایران می‌گوید که ۰۷ درصد کالای قاچاق از مبادی غیررسمی وارد ایران می‌شود و ۰۱ مورد از این معابر و مبادی غیرقانونی در سه استان غربی ایران، است.

سرتیپ پاسدار حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی هم برخورد با مافیای قاچاق را اولویت نیروی انتظامی اعلام کرده و گفته «اقدامات ناجا در برخورد با اینگونه جرائم منجر به افزایش ۰۴ درصدی کشفیات در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته شده است.»

این تنها جدیدترین واکنش‌های مقامات ایرانی درباره قاچاق گسترده کالا و ارز در ایران است.

قاچاق کالا و ارز در ایران یکی از موانع رشد تولید و تجارت قانونی است. قاچاق کالا موجب کاهش تولیدات داخلی و در

است که باعث رونق فعالیت‌های اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، رشد درآمد سرانه و... می‌شود. با کاهش سرمایه‌گذاری در تولید، زمینه اشتغال و تولید ملی کمتر می‌شود و به کاهش درآمد سرانه و گسترش بیش از پیش فقر در جامعه می‌انجامد و درآمدهای بادآورده را به جیب قاچاقچی می‌ریزد.

سال‌هاست که مبارزه با قاچاق از بحث‌های اصلی قوای مختلف در ایران است اما نکته‌ای که قاچاق در ایران را پیچیده می‌کند وجود اسکله‌های نامرئی است. منظور از اسکله‌های نامرئی، دست داشتن نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و سپاه در قاچاق کالا و ارز در ایران است. نخستین بار مهدی کروی زمانی که رییس دوره ششم مجلس ایران بود سخن از ۳۳

اسکله غایب‌مجاز به میان آورد.

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری سابق ایران هم در تیرماه سال ۰۹۳۱ آنها را برادران قاچاقچی نامید: کسانی که در نهادها و سازمان‌های مختلف، از طریق اسکله‌ها و مرزهای غیرقانونی کالا وارد می‌کنند..

حتی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری کنونی ایران هم وجود چنین اسکله‌هایی را تأیید کرده و گرچه نامی از کسی یا دستگاهی نبرده در بهمن‌ماه سال ۴۹ گفته است که که دستگاه فاسدی هست که می‌تواند کالای قاچاق وارد کند و نمی‌گذارد کشور رشد کند.

شماره ۶۴ مجله حقوق ما به قاچاق کالا و ارز اختصاص دارد: به وجود اسکله‌های مرئی و نامرئی در مرزهای اقتصاد ایران.



قاچاق کالا و ارز، جرم یقه سفیدها



محمد اولیایی فرد

قاچاق کالا و ارز جرمی است فراملی و خلاف جرائمی در حقوق کیفری که در اصل سرزمینی بودن خود محصور هستند، مرزهای بین المللی را به سهولت می شکنند و با به چالش کشیدن نقش دولتمردان و قوانین در مبارزه با این جرم، اقتصاد جامعه را هدف قرار می دهد. جرم قاچاق کالا و ارز در اکثر مواقع حتی بدون کوچکترین خشونت در قلمروهای عام و خاص گمرکی تحقق می یابد. این جرم اساساً جرم یقه سفیدها و سرمایه دارها و فاعلین معنوی است. مرتکبین قاچاق در بسیاری از مواقع برخلاف سایر جرایم نه تنها رسوایی در پی ندارند، بلکه نوعی تهور و شهامت محلی-عرفی را یدک می کشند. در برخی از فرهنگهای محلی علی الخصوص در جنوب کشور و جزایر، قاچاق انواع کالاهای حیاتی را بیع و حتی معامله شرعی دانسته و اعتقادی به تحقق جرم قاچاق به مفهوم تعریف آن در قانون ندارند. آثار فساد مالی و کشوری این جرم برای افراد مشخص نبوده و به طور مستقیم گریبان گیر جامعه نیست و برخلاف جرایمی مثل سرقت که برای مردم وحشت آفرین است و موجب نفرت و برانگیختن وحشت عمومی می شود، قاچاق پیامد بسیار ضعیفی بر اذهان عمومی بر جای می گذارد.

پیشینه قاچاق و قوانین مربوط به آن در ایران
قاچاق در ایران ریشه تاریخی دارد به طوریکه هخامنشیان در ایران باستان منابع مالی دولت را از اخذ عوارضی در اسکله بنادر و میدانهای فروش بار و نیز در تجارت داخلی تامین می کردند در زمان اشکانیان کالاهایی که وارد کشور می شد در دفاتری ثبت و از دارندگان کالا عوارض دریافت می شد. در زمان ساسانیان از یزدین نامی که از مامورین وصول عوارض مال التجاره بود نام برده شده. با این حال قاچاق کالا از زمانی در ایران آغاز شد که قانون گمرکی وضع شد و محدودیتها و

موانعی در امر تجارت کالا برقرار شد. تغیی رو تحول حاصله در امر تجارت جهانی مقارن با اواخر حکومت قاجاریه در ایران بوده است. به طوریکه مظفرالدین شاه در تاریخ ۰۸۲۱ هجری شمسی دستور تشکیلات گمرک را به شکل امروزی صادر کرد.

اولین نظام نامه مکتوب ایران در سال ۲۸۲۱ تنظیم شد و در سال ۶۸۲۱ با تصویب قانون ایالات و ولایات و به موجب مواد ۰۲۲، ۱۲۲، ۴۶۲ آن مواردی از قاچاق اجناس ممنوعه به کشور و نحوه وارد و خارج کردن آن پیش بینی گردید. اما آن چه که در قوانین مدون در خصوص مبارزه با قاچاق کالا آمده، ماده واحده قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۶۰۳۱ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی است که به صورت آزمایشی به وزارت دادگستری وقت ابلاغ شده و در سال ۷۰۳۱ در ۲۱ ماده و دو تبصره مجدداً به تصویب کمیسیون



عدلیه مجلس شورای ملی رسید که پس از تفسیر، الحاق و حذف بعضی از مواد به تصویب قانون مجازات مرتکبین قاچاق در تاریخ ۲۱/۲۱/۲۱ توسط کمیسیون فوق الذکر منجر شد.

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۲۱۳۱ اما پس از ۰۸ سال از اجرای آن به موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۲۹۳۱ و اصلاحات آن در سال ۴۹۳۱ نسخ شد. این در حالی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مقننه پیش از قانون اخیرالتصویب، با احراز ضرورت اصلاح این قانون در برخی موارد اقدام به رفع برخی موانع و خلاءهای قانونی موجود از طریق پیش بینی در تبصره‌های اجرایی قانون بودجه سنواتی (سالهای ۵۸، ۶۸ و ۷۸) یا تصویب قوانین خاص دیگر من جمله قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۴۷۳۱ «ماده واحده قانون یکسان

سازی تشریفات گمرکی مصوب ۲۸۳۱/۲/۷۱»، «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۴۸۳۱/۸/۵۱»، «قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۴۸۳۱/۷/۶ و ...» کرد، با این همه، این تلاشها نه تنها مشکلات موجود در زمینه قاچاق کالا و ارز را مرتفع نکرد بلکه تشتت قوانین موجود و عدم کارایی آنها وضعیت را در این حوزه وخیمتر کرد تا اینکه با اقدامات اولیه دولت هشتم برای تهیه و تدوین لایحه و با پیگیری دولت‌های بعدی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۲۹۳۱ و اصلاحات آن در سال ۴۹۳۱ به تصویب رسید.

اول - تعریف قاچاق و قاچاقچی

بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق را به نحو نوآورانه ای تعریف کرده است. مطابق با این بند قاچاق کالا و ارز عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد و در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» بنابراین قاچاقچی به شخصی اطلاق می گردد که مرتکب فعل یا ترک فعل مندرج در بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز شود اما قاچاقچی حرفه‌ای طبق بند ش ماده یک این قانون شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون ریال باشد.

دوم - انواع قاچاق کالا و ارز

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۲۹۳۱ سه نوع قاچاق پیش بینی شده است که عبارتند از الف - قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای و ارز ب - قاچاق کالاهای ممنوع پ - قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای

الف - قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای و ارز

هر شخص که مرتکب قاچاق کالا مجاز، کالای مجاز مشروط، کالای یارانه‌ای، ارز و حمل و یا نگهداری آنها شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی مقرر در ماده ۸۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز محکوم می شود طبق تبصره یک ماده ۸۱ این قانون عرضه و فروش کالای قاچاق موضوع این ماده ممنوع و مرتکب به حداقل مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می شود. همچنین نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده ۸۱ نیز توسط واحدهای صنفی یا صرافیه‌ها تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالا و ارز به جریمه مندرج در ماده ۸۱ مکرر این قانون محکوم خواهد شد.

مطابق ماده ۵۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هرکس بدون اخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط زیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای

البته در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده ۸۱ این قانون با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های ماده مذکور و سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حاصل فروش به مالک مسترد می‌شود. ضمناً وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل قاچاق کالای موضوع ماده ۸۱ این قانون، اعم از زمینی، دریایی و هوایی مطابق ماده ۲۰۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ضبط می‌شود.

مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کالای مجاز، کالایی است که صدور یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به کسب مجوز ندارد و کالای مجاز مشروط نیز کالایی گفته می‌شود که صدور یا ورود آن علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند به کسب مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذیربط قانونی دارد. طبق این قانون وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است فهرست کالاهای مجاز مشروط را اعلام کند.

ب - قاچاق کالاهای ممنوع

هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع شود یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل کند یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به پرداخت جزای نقدی و تحمل حبس یا به یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود. کالای ممنوع به کالایی گفته می‌شود که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است. طبق تبصره چهار ماده ۲۲ این قانون مشروبات الکلی، اموال تاریخی- فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع است. ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره نیز مشمول مجازات‌ها و احکام مقرر برای این ماده است.

آلات و ادواتی که برای ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد مطابق تبصره سه ماده ۲۲ ضبط می‌شود. مواردی که استفاده کننده مالک نبوده و مالک عامداً آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نیست. برابر تبصره پنج نیز محل نگهداری کالاهای قاچاق ممنوع که در مالکیت مرتکب باشد، توقیف و پلمب می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جریمه نقدی را نپردازد، حسب مورد از محل فروش آن برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌شود. البته در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع کند از محل نگهداری رفع توقیف می‌شود. همچنین وسیله نقلیه مورد استفاده در قاچاق کالای ممنوع در صورت وجود هر یک از شرایط مندرج در ماده ۳۲ این قانون، ضبط می‌شود.

پ - قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای

منظور از قاچاق سازمان یافته، جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می‌گیرد.



در صورتی که قاچاق کالاهای ممنوع به نحو سازمان یافته ارتکاب یابد، مرتکب علاوه بر جزای نقدی مندرج در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به تحمل حبس به ترتیب مندرج در ماده ۸۲ این قانون نیز محکوم می‌شود. کسانی که در ارتکاب جرایم ماده ۸۲ نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را بر عهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) این ماده محکوم می‌شوند.

در صورتی که کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای یا ارز به نحو سازمان یافته قاچاق شود، علاوه بر مجازات‌های موضوع ماده ۸۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حسب مورد مرتکب به مجازات‌های مقرر در ماده ۹۲ این قانون محکوم می‌شود. کسانی که در جرایم فوق نقش سازماندهی، هدایت و یا

سردستگی گروه سازمان یافته را بر عهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) ماده ۹۲ محکوم می‌شوند.

در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی و یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۶۳۱/۹/۹۱ می‌شود و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود. در صورتی که احراز شود مرتکب جرایم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرایم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه کرده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فیالارض محکوم می‌شود.

همچنین کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه‌ای محسوب می‌شوند، علاوه بر ضبط کالا یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا ۴۷ ضربه شلاق تعزیری و مجازات‌های حبس به شرح ماده ۲۳ این قانون محکوم می‌شوند. مرتکبین قاچاق حرفه‌ای کالاهای ممنوع نیز علاوه بر مجازات‌های مندرج در ماده (۲۲) این قانون حسب مورد به نصف حداکثر حبس مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

سوم - جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز

مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هرکس در اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقمی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمب گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری، مرتکب جعل شود و یا با علم به جعلی بودن، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد، حسب مورد علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد مجعول محکوم می‌شود. خرید و فروش اسناد اصیل گمرکی که قبلاً در ترخیص کالا استفاده شده است و همچنین استفاده مکرر از آن اسناد، نیز جرم محسوب و مرتکب به مجازات فوق محکوم می‌شود.

در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به هر نحوی مقابله یا مقاومت کند اگر عمل مذکور از مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا ۴۷ ضربه شلاق



همچنین دستگاه‌های مرتبط در عرصه تجارت بین‌الملل نیز طبق ماده ۵۱ این قانون موظفند به منظور مبارزه با قاچاق کالا و ارز در فرآیند مذاکرات مقدماتی موافقت‌نامه‌های تجاری، حمل و نقل و گمرکی، سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب ستاد را رعایت کنند. موضوعی که البته مورد اعتراض منتقدین به این قانون قرار گرفته است، زیرا منتقدین معتقدند موافقت‌نامه‌های تجاری در عرصه تجارت بین‌الملل تابع مفاد کنواسیون‌های بین‌المللی است نه سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

در مقابل موافقین این قانون در دفاع از ماده ۵۱ بیان می‌دارند اولاً برنامه‌های مصوب ستاد، برنامه‌هایی است

که مصوب اعضای ستاد است که تعداد زیادی از وزرا جزو اعضای اصلی آن هستند. بدیهی است با این وصف امکان تصویب برنامه‌هایی برخلاف مصالح اقتصادی و بین‌المللی کشور منتفی خواهد بود. ثانیاً، موافقت‌نامه‌های تنظیمی زمانی لازم الاجرا خواهند بود که از تصویب مجلس شورای اسلامی بگذرد. بنابراین مسلم است این موافقت‌نامه‌ها زمانی از تصویب مجلس خواهد گذشت که فاقد مغایرت با قوانین بالادستی و یا قوانین عادی اصلی داخلی باشد.

پنجم - دستگاه‌های کاشف و کشف کالا

طبق ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه‌های که در حدود وظایف محوله قانونی، کاشف در امر قاچاق محسوب می‌شوند عبارتند از الف- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ب- وزارت جهاد کشاورزی پ- گمرک جمهوری اسلامی ایران در محدوده امکان گمرکی ت- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ث- سازمان حفاظت محیط زیست ج- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چ- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ح- شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران خ- شرکت سهامی شیلات ایران د- شرکت دخانیات ایران

بنابراین مطابق ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ، ۰۱ نهاد در حدود وظایف محوله قانونی، کاشف در امر قاچاق محسوب می‌شوند. این مورد نیز از دیگر مواردی است که توجه منتقدین به این قانون را به خود جلب کرده زیرا منتقدین معتقدند عدم مدیریت صحیح این تعدد نهادی می‌تواند موجب موازی کاری و یا غفلت در نظارت بر قاچاق بخشی از محصولات شود.

البته طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، غیر از این ۰۱ نهاد ، ضابطین نیز در حدود وظایف محوله قانونی خود کاشف محسوب می‌شوند. بر اساس این قانون ضابطین مکلفند در مبارزه با جرایم قاچاق طبق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار کنند. بنابراین در صورت دلالت قرائن و امارات قوی بر وجود کالا و یا ارز قاچاق، ضابطین می‌توانند پس از کسب مجوز بازرسی از مرجع قضایی به انبارها و اماکن و مستغلات محل اختفا یا نگهداری کالا یا ارز قاچاق وارد شوند و حتی المقدور با حضور صاحب محل نسبت به بازرسی محل و کشف قاچاق اقدام کنند و حسب مورد جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع دهند.

با این حال بر اساس این قانون ، بازرسی از اماکن عمومی، نیازی به مجوز ندارد. موضوعی که البته مورد اعتراض منتقدین به این قانون قرار گرفته است اما موافقین این قانون در دفاع از این امر بیان می‌دارند که در هیچ قانونی برای بازرسی از اماکن عمومی لزوم اخذ مجوز قضایی پیش بینی نشده و اگر

چنین موضوعی هم پیش بینی نمی‌شد، لزومی به اخذ مجوز نمی‌بود. لذا آنچه که مهم است لزوم اخذ مجوز قضایی برای ورود به اماکن خصوصی است که در این قانون نیز مورد پیش بینی قرار گرفته است.

ششم - مراجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق

مطابق با ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده‌ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضائی باشد، به اتهامات سایر اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می‌شود.

بنابراین تفکیک صلاحیت در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به اعتبار تخلف و جرم صورت می‌گیرد. بر این اساس حدود صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب در امر قاچاق کالا و ارز عبارت است از ۱- جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، خواه موضوع قاچاق مشمول ماده ۸۱ باشد یا ماده ۲۲ یا غیر آن ۲- قاچاق کالاهای ممنوع (موضوع ماده ۲۲ و تبصره‌ها و سایر قوانینی که ورود یا صدور کالایی را ممنوع کرده باشند) ۳- قاچاق هر نوع کالا و ارزی که مشمول مجازات حبس و یا انفصال از خدمات دولتی باشد.

حدود صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی نیز بدین ترتیب است ۱- قاچاق ارتكابی فاقد مجازات حبس باشد. ۲- قاچاق ارتكابی فاقد مجازات انفصال از خدمات دولتی باشد. ۳- مجازات مالی آن جریمه نقدی باشد نه جزای نقدی. ۴- مرتکب قاچاقچی حرفه‌ای نباشد. ۵- مرتکب از اعضاء گروه سازمان یافته برای ارتكاب جرم نباشد. ۶- مرتکب مأمور دولت نباشد. ۷- موضوع قاچاق کالای مجاز، مشروط مجاز، یارانه‌ای و ارز (ماده ۸۱) باشد.

لازم بذکر است در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است، شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضایی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور را دارند جز در مواردی که در این قانون به ضرورت اخذ دستور مقام قضایی تصریح شده است.

آراء شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آن‌ها کمتر از بیست میلیون ریال باشد، قطعی است. در سایر موارد آراء شعب ظرف ۰۲ روز از تاریخ ابلاغ با درخواست محکوم‌علیه قابل تجدیدنظرخواهی است. جهات تجدیدنظرخواهی در شعب تعزیرات حکومتی نیز مطابق قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود. همچنین آرای صادره از

محکوم می‌شود. در صورتی که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب کنند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند. همچنین مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل کنند، در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌شوند مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند. کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول همین حکم خواهند بود.

چهارم - ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز

طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرائی، پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بر اساس ماده سه این قانون، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز متشکل از وزیران دادگستری، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، کشور، امور خارجه، صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، نفت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا معاونان ذیربط آنان و دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون‌های اقتصادی و قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس و رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی، جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بازرسی کل کشور، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، رؤسای کل بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران، رئیس مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران و معاون اجتماعی و پیشگیری قوه قضاییه و نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضاییه با ریاست رئیس‌جمهور یا نماینده ویژه وی تشکیل می‌شود.

تصمیمات این ستاد پس از امضای رئیس‌جمهور و یا نماینده ویژه وی با رعایت اصل یکصد و بیست و هفتم (۷۲۱) قانون اساسی در موضوعات مرتبط با قاچاق کالا و ارز برای تمامی دستگاه‌های اجرائی لازم‌الاجراست و سایر دستگاه‌های مرتبط با امر پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله قوه قضاییه، نیروهای نظامی و انتظامی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های عضو ستاد وظیفه دارند علاوه بر وظایف ذاتی محوله در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در حدود اختیارات این ستاد، همکاری لازم را با آن داشته باشند.

شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست. در صورتی که آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب مبنی بر براءت متهم باشد ظرف ۰۲ روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عندالزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظرخواهی است.

مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در کلیه آرای بدوی قطعی یا آرای که به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده‌اند، هرگاه دلیلی بر عدم انطباق رأی با قانون یا عدم تناسب جرمه نقدی با قانون موجود باشد، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی می‌تواند تقضای تجدیدنظر نظر کند. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجاست. در هر صورت در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش‌بینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می‌شود.

هفتم - اموال ناشی از قاچاق

طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه‌های کاشف و ضابطین موظفند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، دریایی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف می‌شوند، همراه با رونوشت صورتجلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی کنند. این سازمان نیز اقدام به نگهداری کالا می‌کند و در صورت صدور رأی قطعی و رعایت کلیه ضوابط قانونی از جمله ضوابط فنی، ایمنی، بهداشتی و قرنطینه‌ای و در صورتی که فروش کالا مطابق ضوابط فوق بلامانع باشد و به تولید و تجارت قانونی و نیاز واقعی بازار لطمه وارد نکند، پس از اخذ مجوز از مراجع ذیربط، کالا را به فروش می‌رساند. در خصوص ارز مکشوفه نیز دستگاه کاشف مکلف است ارز مکشوفه به ظن قاچاق را به حساب تعیین شده از سوی بانک مرکزی واریز کند و پس از قطعیت حکم آن‌را به حساب ویژه خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی موظف است در مورد کالاهای سریع‌الفساد، سریع‌الاشتعال، احشام و طیور و یا کالاهایی که مرور زمان سبب ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آن‌ها می‌شود، پس از اخذ مجوز فروش از مرجع رسیدگی‌کننده، بلافاصله کالا را براساس مقررات مربوط به فروش برساند.

طبق این قانون در کلیه مواردی که کالای قاچاق مکشوفه بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، عین کالای مزبور به نهاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل می‌شود و یا با هماهنگی و اخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالای مزبور

کولبر و فرق آن با قاچاقچی؛ دیدگاه قانون و جامعه محلی کردستان



کامبیز غفوری

مدت‌هاست که خبر شلیک مستقیم ضابطان قضایی به کولبرها در مناطق مرزی غرب ایران، به تناوب در اخبار رسانه‌ها به چشم می‌خورد؛ شلیک‌هایی که در بسیاری از موارد، باعث نقص عضو یا مرگ کولبر می‌شوند. اما آیا این نوع برخورد با کولبرها قانونی است؟ آیا کولبر، قاچاقچی است و مجازات قاچاقچی کالا در نواحی مرزی، مرگ بدون محاکمه به دست نیروهای مرزبانی است؟

«حقوق ما» با سارا محمدی، حقوق‌دان ساکن بلژیک که در کردستان ایران وکالت پرونده‌هایی را در این رابطه بر عهده داشته است، گفت‌وگو کرده و در مورد بُعد اجتماعی زندگی کولبران در کردستان ایران نیز نظر شاهد علوی، روزنامه‌نگار آشنا به مسائل کردستان را جویا شده است.

علوی می‌گوید که کولبران، گروهی از ساکنان روستاها و شهرهای مرزی در برخی نواحی کردنشین ایران -مانند کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی- هستند که کالاهایی را در مکان‌هایی مرزی، غیر از مبادی رسمی گمرکی، از عراق به ایران و در موارد نادر، در مسیر عکس، منتقل می‌کنند. واژه کولبر به این دلیل بدان‌ها اطلاق می‌شود که بارها عمدتاً بر دوش این افراد حمل می‌شود. با این وجود، برخی از آنان در صورتی که شرایط مالی‌شان امکان خرید چارپایانی نظیر قاطر را بدهد، برای انتقال بار از این حیوانات نیز استفاده می‌کنند. شاهد علوی کولبر را مترادف با قاچاقچی نمی‌داند و می‌گوید مردم کردستان میان این دو، تمایز قابل توجهی قائل می‌شوند. تنها شباهت کولبر با قاچاقچی از نگاه او، این است که کالای منتقل شده توسط آنان، بدون پرداخت گمرک و عوارض و مالیات از مرز رد می‌شود؛ یعنی کالا به دلیل عدم تسویه دیون مالی‌اش، غیر قانونی است.

اما فرق کولبر با قاچاقچی در این است که قاچاقچی در سود این کار سهیم است، خود درگیر حمل بار نیست، جانش را به خطر نمی‌اندازد و می‌تواند ساکن هر جای ایران یا خارج از ایران باشد. در حالی که کولبر، یکی از ساکنان مناطق مرزی است که «سود»ی از قاچاق کالا ندارد بلکه «کارگر»ی است که «مزد» می‌گیرد و در ازای این مزد ناچیز، جانش را به خطر می‌اندازد. در واقع، بحث مالکیت، یکی از نقاط تفاوت کولبر با



قاچاقچی کالا است.

سارا محمدی نیز معتقد است که جدا از نگاه حقوقی، باید شرایط اجتماعی پدیده کولبری را نیز در نظر گرفت. به گفته او، شرایط زندگی مردم دنیا در بسیاری از نواحی مرزی و روابط آنان در دو سوی مرز، مد نظر قانونگذاران دوران مدرن بوده و از نقل و انتقالات کالا در بسیاری از مرزها جرم‌زدایی شده است. در مورد نواحی کردنشین نیز غیر از پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی میان جنوب کردستان -باشور- با کردستان ایران -روژه‌لات- و ازدواج‌ها و پیوندهای خانوادگی مردم در دو سوی مرز، باید شرایط اقتصادی متفاوت مردم در کردستان ایران را در مقایسه با بسیاری از مناطق دیگر، در نظر گرفت. علیرغم آن‌که قوانین ایران بر عدم تبعیض اختصاص بودجه و سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف کشور تاکید کرده‌اند، نگاه امنیتی به کردستان سبب شده تا فقر گسترده در شهرها و روستاهای مرزی چاره‌ای غیر از دست زدن به این کار خطرناک برای برخی مردم باقی نگذارد. محمدی می‌گوید که در شرایط عدم وجود کارخانه و زیرساخت اقتصادی در این مناطق که ایجاد اشتغال کنند، برخی از افراد با به خطر انداختن جان خود، برای سیر کردن شکم خانواده‌شان اقدام به انتقال کالا در ازای دستمزدی اندک می‌کنند. در واقع، نخستین نقض قانون، در تصمیم‌سازی‌های کلان اجرایی در زمینه اختصاص بودجه و کارآفرینی در مناطق مرزی صورت می‌گیرد.

به همین دلیل است که علوی، نگاه مردم منطقه به کولبران را همدلانه، مثبت و همراه با همدردی می‌داند. او می‌گوید که مردم کردستان میان کولبران که با زحمت برای اندکی دستمزد خطر را به جان می‌خرند با انواع دیگر قاچاق‌بران تمایز قائلند. برای مثال، مالکان اتومبیل‌هایی که بارها را از کولبران تحویل می‌گیرند و با دستمزدی مناسب‌تر آن را در مقصد شهرهای بزرگ مانند تبریز و تهران و اصفهان تحویل می‌دهند، همدلانه نیست. مردم این رانندگان را افرادی نامحسوب می‌شمارند که نیاز حیاتی به این کار ندارند اما برای کسب درآمد نسبتاً بهتر، جان خود و دیگران را در جاده‌ها به خطر می‌اندازند.

کولبران و مبحث قاچاق کالا

با این حال، در زمینه انتقال کالا از خارج به داخل کشور، طبق قانون لازم است که هزینه‌های گمرکی آن پرداخت شود و در غیر آن صورت، آن کالا قاچاق خواهد بود. محمدی تاکید می‌کند: «طبق بند یکم قانون امور گمرکی و خصوصاً تفسیر سال ۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام از ماده ۸ قانون تعزیرات، «قاچاق عبارت است از وارد یا صادر کردن کالا از مبادی ورودی و خروجی کشور بدون پرداخت حقوق گمرکی.» اما از آن‌جا که میزان و حتی نوع کالا در میزان مجازات اشخاصی که قاچاقچی تلقی می‌شوند تاثیر به‌سزایی

قانون مجازات اسلامی، جرم نیست و هرگونه تعرض خودسرانه ماموران نظامی به جان و مال کولبران، نقض موازین حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل است.»

شلیک به کولبران، جرم است

محمدی می‌گوید حتی اگر فرض را بر این تفسیر بگذاریم که کولبری جرم است، متهمان باید در دادگاه محاکمه و به مجازات



متناسب با جرم خود، محکوم شوند. این حقوق‌دان با اشاره به ماده ۳ قانون نحوه به‌کارگیری سلاح از سوی مأمورین نیروی انتظامی، می‌گوید که بر مبنای این ماده قانونی، مأمورین ابتدا باید به متهم اخطار دهند، سپس تیر هوایی شلیک کنند و در صورت تسلیم نشدن، می‌توانند به پایین‌تر از کمر او شلیک کنند. در صورت مهاجم بودن متهم و موثر نبودن اقدامات مذکور و حتمی بودن خطر از جانب مهاجم است که می‌توان به بالاتر از کمر او شلیک کرد. از آنجایی که کولبران، کاسبکاران بی‌خطری هستند و مهاجم به حساب نمی‌آیند، اصولاً استفاده از سلاح در مورد آنان خلاف قانون و جرم آشکار است.

با این حال، به نظر می‌رسد که تلاش وکلا برای احقاق حقوق قربانیان و شکایت از ضابطان قضایی، در نواحی مرزی کردستان راه به جایی نبرده است. محمدی با اشاره به پرونده‌های خود در زمان وکالت در ایران، می‌گوید که تطویل تعمدی دادرسی و امنیتی کردن پرونده‌ها، کار را به جایی می‌رساند که وکیل یا خانواده قربانی، در نهایت، در بهترین حالت و در صورتی که

قاضی منصفی کار بررسی پرونده آنان را بر عهده داشته باشد، به دریافت دیه از بیت‌المال راضی شوند اما کار به تنبیه ضابط قضایی متخلف نرسد.

محمدی در شرح این روند، می‌گوید: «تنها نتیجه برخی از این شکایات، پرداخت دیه به مجروح یا خانواده مقتول از محل بودجه نیروی انتظامی یا بیت‌المال، به استناد ماده ۳۱ قانون نحوه به‌کارگیری سلاح، بوده است. در برخی موارد نیروی انتظامی حتی از پرداخت دیه نیز خودداری کرده و به اشکال مختلف در صدد متقاعد کردن و گرفتن رضایت اولیای دم برآمده است.»

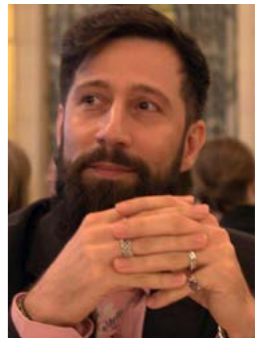
او می‌گوید که همکارانش در نواحی مرزی جنوب و شمال ایران، از پرونده‌های مشابه، جواب‌های متفاوتی گرفته‌اند و توانسته‌اند ضابط قضایی متخلف را در دادگاه محکوم کنند. این امر سبب شده تا آمار شلیک به افراد در این مناطق در مقایسه با کردستان به طرز چشمگیری پایین بیاید.

حقوق ما در کاوش چرایی این مطلب، با تنی چند از وکلای ساکن ایران تماس گرفت. یکی از این وکلا که درخواست نامش فاش شود، گفت که دلیل عدم صدور حکم محکومیت مرزبانانی که به سمت کولبران در کردستان شلیک می‌کنند، وجود فتوا یا فرمانی از رهبر جمهوری اسلامی است که تعقیب مرزبانان در این منطقه را در صورتی که در حال انجام وظیفه به قاچاقچیان مرزی تیراندازی کنند، مجاز ندانسته است. به عقیده این وکیل، چنین چیزی نشان دهنده نگاه «شدیدا امنیتی» به تمامی قضایا در کردستان است و دست قضا را نیز برای صدور حکم متناسب با قانون، بسته است.

سارا محمدی نیز صدور احکام دوگانه را نه به دلیل تناقض قانون، بلکه به دلیل تبعیض در اجرای قانون می‌داند. او می‌گوید: «قانون‌گذار سعی کرده تا منصفانه نگاه کند اما در یک منطقه، ضمانت اجرایی برای محاکمه مرزبان متخلف، چه آمر و چه عامل، وجود ندارد و روند عادی عدالت در دادگاه‌های آن طی نمی‌شود. یعنی در قسمت‌هایی از ایران مرزبانانی که این خلاف را انجام دهند، دادگاهی می‌شوند و در قسمتی دیگر از ایران، این اتفاق روی نمی‌دهد و نشانگر آن است که تبعیض در اجرای قانون داریم.»

بدین ترتیب، محمدی شلیک منجر به قتل کولبران در کردستان را «مصادق بارز قتل عمد» می‌داند. او می‌گوید: «فراموش نکنیم که با قتل هر کولبر، به ظاهر تنها یک نفر کشته می‌شود اما در واقع یک یا چند خانواده ویران می‌شوند. من با خانواده‌هایی از این‌ها از نزدیک برخورد کرده‌ام. عموماً بسیار تنگ‌دست هستند و معمولاً تنها یک نفر کار می‌کند. با مرگ آنان جمعی دیگر فقیرتر و بی‌پناه‌تر می‌شوند و این چرخه معیوب و این شرایط نابسامان، کماکان ادامه می‌یابند.»

ارز قاچاق، این پول کثیف



رضا حاجی حسینی

قاچاق در لغت به معنی ربوده (ربودن) است و پنهانی عمل کردن و گریزان شدن. در اصطلاح گمرکی اما این واژه به معنی نقل و انتقال کالا بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی است که معادل ثقلب گمرکی هم تعریف شده است. به طور کلی اما هر نوع معامله یا مبادله

کالا با پول یا کالای دیگر که حکومتی برای آن محدودیت یا ممنوعیتی ایجاد کرده باشد، می‌تواند قاچاق تعریف شود.

جمهوری اسلامی همچون دیگر دولت‌ها برای وارد و خارج کردن کالا و ارز قوانین و محدودیت‌هایی تعیین کرده است که قاچاق کالا و ارز در واقع نادیده گرفتن یا دور زدن این قوانین است، اما نکته قابل توجه درباره قاچاق در ایران این است که بخش‌هایی از حاکمیت، خود به کار قاچاق مشغولند و از پرداخت عوارض و مالیات به دولت سر باز می‌زنند. کنترل اسکله‌های متعدد در ایران در اختیار سپاه پاسداران است و دولت نظارتی بر آن‌ها ندارد. این مسأله تا آنجا عیان و آشکار شده که محمود احمدی‌نژاد به عنوان رییس دولت دهم در همایش «راهبردهای نوین در پیشگیری از قاچاق کالا و ارز» به طعنه سپاه پاسداران را «برادران قاچاقچی خودمان» خواند.

اما جزییات قانونی مربوط به قاچاق کالا و ارز تا چه اندازه مشخص است؟

بند الف از ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران می‌گوید که هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود، بر اساس قانون قاچاق محسوب می‌شود و برای آن مجازات تعیین شده است.

مبادی ورودی یا خروجی از مهم‌ترین نقاط کشف کالاها و



ارزهای قاچاق هستند اما امکان کشف محموله‌های قاچاق در هر جایی از جمله در بازار داخلی وجود دارد.

بند (خ) ماده دو قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم می‌گوید: «ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت، بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی قاچاق ارز محسوب می‌شود.»

تعریف ارز در بند (پ) ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشخص شده است: «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حواله‌جات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد.» بر اساس این قانون، هر شخصی که مرتکب قاچاق کالای مجاز، کالای مجاز مشروط، کالای یارانه‌ای، ارز و ... شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی مقرر در ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز محکوم می‌شود. طبق تبصره یک ماده ۱۸ این قانون عرضه و فروش کالای قاچاق موضوع این ماده ممنوع و مرتکب به حداقل مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

فهم و هضم مسأله قاچاق کالا با توجه به وجه عینی آن احتمالاً چندان دشوار نیست اما درباره قاچاق ارز با توجه به صورت انتزاعی آن، درک موضوع احتمالاً دشوارتر است. بر اساس قانون، هر نوع خرید، فروش و حواله ارز بدون کسب مجوز از بانک مرکزی قاچاق محسوب می‌شود. البته اگر بانک مرکزی خرید، فروش یا حواله ارز را در جایی نیازمند کسب مجوز ندانسته باشد، آن‌گاه انجام چنین کاری ولو اینکه بدون کسب مجوز بانک مرکزی باشد، قاچاق ارز نخواهد بود.

مجوزهایی که بانک مرکزی اعطا می‌کند، برای کسانی است که قصد دارند شغل خود را معاملات ارزی قرار دهند؛ یعنی صرافان و بانک‌ها که عملیات آنها فعالیت حرفه‌ای در بازار پول است. البته مناسب بود به این مطلب در متن قانون نیز توجه شود و هر گونه معامله ارزی (خرید، فروش و حواله) را بدون کسب مجوز از بانک مرکزی جرم تلقی نمی‌کرد و صرفاً به معاملاتی اشاره می‌کرد که نیازمند کسب مجوز از بانک مرکزی هستند. به عبارت بهتر، انشای درست این ماده به این صورت است: «ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز در مواردی که نیازمند کسب مجوز از بانک مرکزی است، بدون کسب مجوز مربوطه» قاچاق ارز محسوب می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس یادداشتی که حمید قنبری به عنوان سرمقاله روزنامه اقتصاد امروز در تاریخ هفتم مهر ماه ۹۴ منتشر کرده، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزی که در سال ۱۳۹۲ تصویب شده، مقارن با بحران جدی در بازار ارز بوده به گونه‌ای که ناامن بودن شرایط اقتصادی

باعث شده بوده حتی مردم عادی هم اقدام به خرید و نگهداری ارز کنند و به این طریق خود را در مقابل نوسانات آتی قیمت‌ها در فضایی امن قرار دهند: «این امر به نوبه خود باعث افزایش تقاضای ارز و نوسانات بیشتر قیمت آن شده بود.»

بر اساس استدلال این تحلیلگر اقتصادی، در چنین شرایطی قانون‌گذار درصدد برآمده تا با تصویب قانون، مانع از خرید و نگهداری ارز از سوی مردم شود: «تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافر، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل باید از سوی بانک مرکزی انجام شود. بانک مرکزی باید مشخص کند که هر کس تا چه میزان ارز می‌تواند نگهداری کند و زائد بر آن، ممنوع و بالطبع قاچاق تلقی می‌شود.»

قاچاق ارز در سفر

به این ترتیب یکی از شیوه‌های قاچاق ارز، وارد کردن یا خارج کردن پول نقد بیش از میزان تعیین شده در قانون است. اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان تعزیرات حکومتی به تازگی از ابلاغ دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی در مورد ضوابط ناظر بر ارز همراه مسافر خبر داده است.

بر اساس اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی، از روز دوشنبه اول آذر ماه ۹۵، مسافران ورودی و خروجی کشور و رانندگان بخش حمل و نقل بین‌المللی، مجاز به همراه داشتن ۱۰ هزار دلار اسکناس یا معادل آن به سایر ارزها به صورت فیزیکی و بدون نیاز به اظهار به گمرک هستند و ورود ارز بیش از مقدار مقرر و بدون رعایت ضوابط اعلام شده، به عنوان قاچاق ارز شناخته می‌شود.

ورود ارز بیش از میزان تعیین شده اما منوط به مراجعه مسافر به درگاه گمرک در مبادی ورودی و اظهار ارز همراه خود است. از سوی دیگر خروج ارز فیزیکی مازاد بر مبلغ ۱۰ هزار دلار یا معادل آن به سایر ارزها نیز منوط به ارائه رسید چاپی حاوی کد رهگیری صادر شده از سوی بانک ملی ایران است.

با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جمهوری اسلامی، قرار است که سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان مرجع رسیدگی کننده به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، با جدیت و بر اساس قانون به تخلف‌ها در مورد قاچاق ارز رسیدگی کند.

وضع خراب ارز و فساد فراگیر

گران شدن ارز در ایران که شاخص آن دلار است، بر

اعدام برای قاچاق مواد مخدر در کشاکش تغییر



در عین حال طبق اخبار رسمی، مجلس ایران می‌خواهد طرحی را به تصویب شورای نگهبان برساند که بر اساس آن از میزان اعدام‌ها به این اتهام کاسته شود. این در حالی است که ستاد مبارزه با مواد مخدر به تازگی خواستار توقف این طرح شده است.

طبق قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات قاچاق مواد مخدر، اعدام است اما سوم آذر ماه سال جاری مجلس شورای اسلامی با یک فوریت از طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» موافقت کرد که در صورت تصویب شورای نگهبان، مجازات برخی از متهمان از اعدام به زندان تبدیل می‌شود. بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی پس از انتشار این خبر حتی تیترو زدنند که قرار است اعدام

آناهیتا بختیار

یکی از مهم‌ترین دلایل آمار بالای اعدام در ایران، اعدام به خاطر قاچاق مواد مخدر است. بنا به آمار رسمی جمهوری اسلامی در حال حاضر بیشتر از ۵ هزار نفر در زندان‌های جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم اعدام هستند.



روی وضعیت اقتصادی، تورم و گرانی تأثیر مستقیمی دارد. نوسان قیمت ارز در بازار داخلی هر سال چند باری رخ می‌دهد و دولت خرید و فروش ارز قاچاق (احتکار شده) را از جمله دلایل این اتفاق می‌داند. در یک نمونه، محمدرضا مقیمی، رییس پلیس آگاهی تهران، ۱۶ دی ماه ۹۵ از ورود پلیس به بازار ارز خبر داد و گفت که «محتکران ارزی» شناسایی شده‌اند.

دادستان تهران، عباس جعفری دولت‌آبادی هم در همان روز اعلام کرد که با همکاری قوه قضاییه، نیروی انتظامی و بانک مرکزی بساط دلالان ارزی جمع شده است: «بر اساس شکایت بانک مرکزی پنج دلال ارزی بازداشت شدند و یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار احتکار شده کشف شده است. چند صراف بزرگ تهران هم که دلار دپو کرده بودند، دستگیر شدند.»

این برخوردها بدین خاطر است که احتکار و خرید و فروش غیرقانونی ارز، راه دیگر قاچاق آن است و باعث وارد آمدن صدمه به نظام اقتصادی کشور می‌شود، اما به نوشته هیوا رضاپور در سایت رادیو زمانه (۳۱ خرداد ۱۳۹۵)، واقعیت این است که جمهوری اسلامی نظام فسادخیز است: «به روایت آمارهای رسمی حداقل ۸۰ هزار میلیارد تومان پول کثیف در اقتصاد ایران در گردش است و ۴۵ تا ۶۵ درصد اقتصاد در اختیار نهادهای خارج از نظارت دستگاه‌های نظارتی است که خود نیز آلوده به فسادند.»

از سوی دیگر پیش از این مهدی ابویی، معاون پیشگیری و هماهنگی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به مشکلاتی که در ارتباط با صرافی‌ها وجود دارد اشاره کرده و گفته بود که تعدادی از صرافی‌ها تحت کنترل بانک مرکزی نیستند و از شورای اصناف مجوز دریافت کرده‌اند. تعدادی هم تحت کنترل بانک مرکزی هستند و زیر نظر شورای اصناف نیستند که این امر به ویژه در استان‌های مرزی به چشم می‌خورد: «در این مناطق صنوفی هستند که تحت پوشش یک صنف ارز مبادله می‌کنند. اینها صرافی نیستند. در استان‌های مرزی قاچاق‌خیز مانند هرمزگان، بوشهر، خوزستان، کردستان، آذربایجان غربی و به ویژه در شهرهای مرزی مبادلات ارز انجام می‌شود که البته بیشتر برای مبادله کالای قاچاق است.»

در نظام اقتصادی ایران، فساد، ساختاری و تنومند شده و در حرکت پیوسته از دولت به نهادهای دیگر و برعکس انتقال می‌یابد. به نظر می‌رسد تنها راه از بین بردن این فساد، نابود کردن ریشه آن و از بین بردن نهادهای ویژه‌خوار و رانت‌طلب است که خود دست‌اندرکار قاچاق کالا و ارز هستند.

همه اینها در حالی است که بیشتر محکومان به اعدام، حاملان مواد مخدر و از قشر ضعیف جامعه هستند. از طرف دیگر در سال‌های اخیر بیشتر اعدام‌های مربوط به مواد مخدر توسط منابع رسمی جمهوری اسلامی اعلام نمی‌شود و این سازمان‌های حقوق بشری هستند که هویت اعدام شده‌ها را کشف می‌کنند. در منابع رسمی بیشتر اعدامی‌هایی هم که اعلام می‌شوند نام‌شان با حرف مخفف یا اکتفا به اسم کوچک است. در واقع شفافیتی در خصوص این گروه از اعدامی‌ها وجود ندارد.

مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر مختص در جمهوری اسلامی مختص به شهروندان ایرانی نیست. در این میان اتباع افغانستانی بیشترین شهروندان دیگر کشورها هستند که به این اتهام در ایران اعدام می‌شوند. در خیلی از مواقع حتی خانواده‌های اعدام شدگان از کشته شدن فرزندان یا اعضای خانواده خود بی‌خبرند یا برای بازگرداندن اجساد کشته‌شده‌ها با مشکل مواجه‌اند. از سوی دیگر در سال ۲۰۱۶ منابع رسمی جمهوری اسلامی اعلام کردند که در مارس همان سال، سه شهروند ترکیه نیز در زندان وکیل‌آباد مشهد با همین اتهام اعدام شده‌اند. خبر اعدام آن‌ها چندین ماه بعد در رسانه‌ها منتشر شد اما مقامات ترکیه در قبال آن هیچ موضعی نگرفتند.

پرونده این سه نفر مثل اکثر پرونده‌های دیگر جرایم مربوط به مواد مخدر به این برمی‌گشت که صاحب اصلی محموله فرد دیگری بوده و این افراد تنها حاملان این مواد بودند. هر سه آن‌ها راننده‌های کامیون‌هایی بودند که میان دو کشور ترکیه و افغانستان تردد و بار جابه‌جا می‌کنند.

اعلام خبر اعدام این سه نفر برای کنش‌گران حقوق بشر این نگرانی را به همراه داشته که شاید در گوشه و کنار ایران و در زندان‌هایی دیگر، اعدام‌های دیگری هم اتفاق افتاده باشد یا قرار است به وقوع بپیوندد ولی کسی از آن مطلع نیست.

در کنار بی‌شمار اعدام در زندان‌های ایران، بسیاری از به دار کشیدن‌ها هم در ملاعام اتفاق می‌افتد؛ چه به جرم قتل و چه برای تجاوز به عنف. محکومان به اعدام برای جرایم مواد مخدر نیز از این قاعده مستثنی نیستند و هر از گاهی در خبرها می‌آید که فرد یا افرادی به این جرم در ملاعام اعدام می‌شوند. اگرچه جمهوری اسلامی دلیل خود را «عبرت» سایرین عنوان می‌کند اما هیچ سندی مبنی بر کاهش قاچاق مواد مخدر در تمامی این سال‌ها وجود ندارد.



در مجامع بین‌المللی یا در بررسی‌های دوره‌ای حقوق بشر ایران و همچنین در دیدار با نمایندگان دفتر جرایم مواد مخدر سازمان ملل تاکید کرده‌اند که بیشتر محکومان به اعدام جرایم مربوط به مواد مخدر «قاچاقچیان مسلح» هستند. حتی آن‌ها از مجامع بین‌المللی توقع تشکر هم داشته‌اند که توانسته‌اند با این روش از میزان قاچاق مواد مخدر بکاهند، در حالی که نه از میزان قاچاق کاسته شده و نه هدف مجازات که بازدارندگی است فراهم شده است. از سوی دیگر برخی از کشورهای اروپایی که در تامین بودجه برای ایران با دفتر جرایم مواد مخدر همکاری داشته‌اند، در سال اخیر به دلیل اعدام‌های بالا و نقض فاحش حقوق بشر در ایران، به این همکاری خاتمه داده‌اند. در سال ۲۰۱۵ طبق گزارش‌های منتشر شده روزانه بین ۲ تا ۳ نفر در ایران اعدام شده‌اند. کنش‌گران حقوق بشر سال ۲۰۱۵ را یکی از «سیاه‌ترین» سال‌های عمر جمهوری اسلامی بر اساس تعداد اعدام می‌دانند. سالی که در آن بیش از ۶۵۰ نفر صرفاً در رابطه با مواد مخدر اعدام شده‌اند.

در ایران ملغی شود.

قید یک فوریت برای این طرح به آن معناست که طرح باید در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بررسی شود و سپس برای رای‌گیری نهایی به صحن علنی بازگردد. از آنجایی که این طرح خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد، می‌توان انتظار داشت در طول سال جاری مراحل تصویب نهایی آن طی شود. اگرچه تمامی این موارد وابسته به نظر نهایی شورای نگهبان است.

حالا پیش از آن که شورای نگهبان وارد رای دادن شود، ستاد مبارزه با مواد مخدر خواستار توقف این طرح شده است. علی‌علی‌زاده، مدیرکل حقوقی ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده این ستاد به عنوان «مرجع ملی مبارزه با مواد مخدر» با این طرح موافق نیست. او چنین طرحی را غیراصولی دانسته و عنوان کرده که پیش‌بینی متخصصان جرایم سازمان یافته و مربوط به مواد مخدر این است که اصلاحات «ناهمگون» و «غیرکارشناسی» اگرچه ادبیات «حقوق بشری» دارد اما در مقام اجرا «جامعه را با موج عظیمی از این جرم و دیگر جرایم مواجه خواهد کرد».

کاظم غریب‌آبادی، معاون بین‌الملل ستاد حقوق بشر قوه قضاییه نیز به تازگی در این خصوص گفته است که برخی اظهارنظرها مبنی بر این که قانون مبارزه با مواد مخدر و مجازات اعدام «بازدارنده» نیست و باید این مجازات لغو شود، «نادرست است و کارشناسی نیست». او حتی این‌گونه اظهارنظرها را برآمده از خاستگاه و رویکرد «سیاسی» دانسته: «طرحی که اکنون در مجلس در دست بررسی است فقط به محدود کردن اعدام اختصاص دارد. به عنوان یک کارشناس و مسئول اعتقاد دارم قانون مبارزه با مواد مخدر باید مورد بازنگری جدی قرار گیرد و از نمایندگان مجلس و کمیسیون قضایی درخواست دارم در بررسی‌های خود، بازنگری در کل قانون را لحاظ کنند تا علاوه بر محدود شدن اعدام‌ها، بخش‌های دیگر قانون نیز تقویت شود».

طبق تبصره‌های این طرح، مجازات اعدام برای ۴ گروه از متهمان باقی خواهد ماند: مواردی که مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب سلاح گرم همراه داشته یا سلاح گرم یا سرد کشیده باشد، مواردی که مرتکب بر اساس ماده ۱۸ این قانون یا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی سردسته گروه مجرمانه سازمان یافته باشند، مواردی که مرتکب سابقه محکومیت به اعدام یا ۱۰ سال حبس یا بیش از آن یا گذراندن حداقل ۵ سال حبس به علت ارتکاب جرایم موضوع قانون مواد مخدر را داشته باشند، ساخت یا تولید یا وارد کردن مواد موضوع ماده ۸ این قانون به کشور مشروط به آن که بیش از مقدار

مشخصی باشد.

وکلا و کنش‌گران حقوق بشری این طرح را تاریخی و قدمی مثبت برای کاهش اعدام در ایران ارزیابی کرده‌اند اما در عین حال نگرانی خود را اعلام کرده‌اند. از آنجایی که مسوولان جمهوری اسلامی همواره تاکید داشته‌اند بیشتر احکام اعدام مربوط به جرایم مواد مخدر برای متهمان مسلح صادر می‌شود، با توجه به تبصره این طرح، آمار اعدام‌ها ممکن است به همان شکل ادامه خواهد داشت. چراکه بیشتر محکومان به اعدام برای جرایم مواد مخدر، در پرونده‌شان اعترافی مبنی بر مسلحانه بودن داشته‌اند. در خصوص متهمان به قاچاق مواد مخدر دادرسی عادلانه هم وجود ندارد. متهمان بسیاری هستند که در صحبت‌ها و اظهارات خود از داخل زندان یا در حین مرخصی یا پیش از اعدام گفته‌اند در هفته‌های پس از دستگیری به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. آن‌ها از دسترسی به وکیل هم محروم بوده‌اند و بیشتر احکام‌شان بر اساس اعتراف‌هایی است که در حین شکنجه گفته‌اند.

این در حالی است که مسوولان جمهوری اسلامی همواره

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار
تماس با مجله: mail@iranhr.net

